

ستاره درخشان

● محمدرضا حقایق نگار

مزار او در مقبرة الشعراى شهر تبریز، مشهور است و از جمله تألیفات او می توان به این موارد اشاره داشت:

۱. الاجتهاد و التقليد
۲. بهجة العناوين
۳. جنگ
۴. الحق والحكم
۵. الشرط التأخر
۶. صراط النجاة
۷. الطلب و الارادة
۸. عقد الجمان فى شرح دعاء الندبة
۹. فرحة الداعى و قرّة الساعى
۱۰. قاعدة لا ضرر
۱۱. مشكاة السالك فى ظلم المسالك
۱۲. نيل الامانى فى شرح دعاء اليمانى



● رسول جعفریان. حاج مهدی سراج
انصاری در تاریخ مطبوعات اسلامی
قم: مؤسسه اطلاع رسانی مرجع،
۱۳۸۲، چاپ اول، ۴۱۳ صفحه، وزیری.

دیدگاهها

اهداف اصلی حاج سراج انصاری، همان مبارزه جدی با ارتجاع و خرافاتی است که اصل دین را نیز نابود می سازد و به طور کلی و در کلامی کوتاه، دفاع از دین اسلام و مذهب تشیع.
ناگفته نماند که نظریات و دیدگاه های حاج سراج، در طی سالیان

حاج مهدی سراج در روز سوم فروردین ۱۲۷۵ خورشیدی^۱ در نجف به دنیا آمد و در هشتم شهریور ماه ۱۳۴۰ ش. دار فانی را وداع گفت. پدرش میرزا عبدالرحیم کلبیری انصاری (۱۲۷۲ - ۱۳۳۴ق) به جابر بن عبدالله انصاری نسب می بُرد، و از مجتهدان زمانه بود که

سال ۱۳۲۲ش. هم‌زمان با جنگ جهانی دوم تعطیل و توقیف شد و او نیز به ایران بازگشت و از این تاریخ، به صورت مستمر به انجام کارهای فرهنگی روی آورد که در این قالب‌ها نمود یافت:

۱. سخنرانی در مجالس مذهبی
۲. سخنرانی در رادیو تهران
۳. نگارش مقالات برای قرائت در رادیو
۴. تألیف مقالات برای چاپ در نشریات گوناگون
۵. تأسیس شرکت سهامی مطبوعات دینی
۶. تألیف و چاپ کتاب‌های مختلف در تبیین نظریات اسلامی و دفاع از عقاید شیعه
۷. تشکیل اتحادیه مسلمین در ۱۳۲۹ش. که هدف اصلی آن، مبارزه با بی‌دینی و خرافات، با عمل و بیان و قلم و قدم تا آخرین حد کوشش و اهتمام بود^۳ و اعضای هیأت مدیره آن، اینان بودند:
الف - سرهنگ احمد آخگر، نایب رییس، مدیر مجله آخگر
ب - آیت‌الله سید محمود طالقانی
ج - سید غلام رضا سعیدی، نویسنده و مترجم
د - عبدالحسین شوشتری
ه - دکتر صدرالدین نصیری، مدیر داخلی
و - نصرت‌الله نوریانی، مدیر هفته‌نامه‌ی آیین اسلام
ز - عطاء‌الله شهاب‌پور، مؤسس انجمن تبلیغات اسلامی
ح - مهدی شریعتمداری
ط - دکتر سید ابراهیم انگجی
ی - سیدمرتضی خلخالی
ک - صباح کازرونی
ل - بدرالدین نصیری
م - محمدی اردهالی
۸. تشکیل جمعیت هواداران تشیع^۴
۹. تشکیل جمعیت مبارزه با بی‌دینی در سال ۱۳۲۳ش. که

فعالیت‌های آن، بدین شرح بود:

- الف - طرفداری از اسلام و قرآن و مذهب رسمی کشور.
- ب - ترغیب مردم به تعالیم قرآن.
- ج - مبارزه منطقی و نبرد قلمی با انتشارات مضره به دین اسلام.

فعالیت جدی وی در عرصه علم و قلم را نمی‌توان به حوزه‌های علمیّه، محدود دانست، اندیشه او، اصلاح اوضاع تبلیغات دینی است:^۲

۱. در رأس انجام امور دیانتی، کسانی قرار گیرند که منتخب عموم متدینین بوده و اهلیت داشته باشند.
 ۲. انتخاب مجتهدان جامع الشرائط برای تدریس و تقلید و رسیدگی به امور معیشت و احوال داخلی و خارجی.
 ۳. تعیین هیأت‌هایی برای ترویج معارف قرآن و هدایت گمراهان و رد شبهات.
 ۴. تشکیل انتظامات برای مساجد و اماکن متبرکه و مجامع دینی.
 ۵. تهیه انتظامات برای مدارس دینی تا دانشمندان با علم و عدالت و گویندگان خوش بیان از آن‌ها بیرون بیاید.
 ۶. تهیه انتظامات برای تقسیم اموال خیریه و وجوهات.
 ۷. پیش‌بینی اصولی برای اصلاح اجتماعی خانواده‌ها و سعادت مندی زوج‌ها و رسیدگی به امور تشییع و کفن و دفن.
 ۸. تعیین افراد ثابتی برای پاسخ به آن‌چه در مخالفت با دین گفته می‌شود و یا در کتاب‌ها و نشریات به چاپ می‌رسد.
 ۹. تعیین افرادی برای تنظیم سلسله نسب‌ها و شجره‌نامه‌ها.
 ۱۰. تعیین گروهی برای نظارت بر امر خمس و زکات و خیرات و صدقات و اعانات و تبرّعات.
 ۱۱. تهیه‌ی دوائر ارتباطی برای تحکیم محبت و الفت میان برادران دینی و دفع ظلم و تعدی از بیچارگان.
- به همین صورت است که فعالیت وی را نمی‌توان در مرزهای ایران نیز خلاصه کرد، هدف او برادری و وحدت و هماهنگی و یکپارچگی میان تمام مسلمانان دنیا و نجات جوانان جهان اسلام است که در قالب پی‌گیری‌هایی در هند و پاکستان و کشمیر و فلسطین و عراق نیز دنبال شد.

فعالیت‌ها

حاج سراج در سال ۱۳۲۱ به تبریز آمد و به ادامه تحصیلات پرداخت؛ پس از آن به کاظمین رفت تا در درس آیت‌الله سید هبة‌الله شهرستانی (۱۳۴۵ - ۱۲۶۰ش) شرکت جوید.

وی در همین سال‌ها تجارت‌خانه‌ای در بغداد تأسیس کرد که در

د- توسعه دادن به دایره تبلیغات اسلامی، به وسیله:
یک: تکثیر مجالس و عطا و خطابه.
دو: اعزام مبلغان به نقاط دور از شهرها.
سه: تشکیل دارالتبلیغ برای تربیت مبلغان روشن فکر.
چهار: تکثیر مطبوعات دینی و مذهبی و اخلاقی.
هـ - ایجاد الفت و محبت میان مسلمانان دنیا.
و - ایجاد هم‌آهنگی و وحدت نیرومند ملی میان افراد ملت ایران.
ز- دستگیری و مساعدت مستمندان با جمع اعانات.^۵

فعالیت مطبوعاتی

حاج سراج از شهریور ۱۳۲۲ خورشیدی^۶، در چهل و هفت سالگی به فعالیت مطبوعاتی روی آورد و هیجده سال بدین کار پرداخت و دیگر تا پایان عمر، دست از قلم نکشید.
وی در زمانه‌ای می‌زیست که نشریاتی همچون: ماهنامه ایمان، هفته‌نامه آیین اسلام، هفته‌نامه پرچم اسلام، هفته‌نامه دنیای اسلام، سالنامه و هفته‌نامه نور دانش، هفته‌نامه عظمت اسلام، هفته‌نامه نهضت اسلام، فروغ علم و ماهنامه گنج‌شایگان به‌عنوان مطبوعات دینی، پا به عرصه وجود می‌گذارد، ولی یکی پس از دیگری و هریک از پس مشکلی ویژه خود، به تاریخ می‌پیوندد.
این روند، برای حاج سراج، ملهم ایده‌ای است که به وی نیرو می‌بخشد تا در عرصه‌ای که برای خویش برگزیده، پای فشاری بیشتری کند، او سبب عدم توجه به مطبوعات دینی را چنین می‌انگارد:

اول، از سی سال پیش، قدرت‌های تبلیغاتی مخالفان اسلام و تغییرات مهم زبان‌آوری که در دستگاه‌های تعلیم و تربیت شده، و نفوذی که برنامه‌های ضد‌دینی در فرهنگ، پیدا کرده‌اند، سبب شده که علاقه مردم، نسبت به دین و مذهب، کم‌تر شود، و مخصوصاً در این اواخر، اصلاً دین و مذهب در ردیف امور تشریفاتی قرار گرفته است.
دوم، سطح معلومات دینی در میان مردم، بسیار پایین آمده است.

سوم، مظاهر مادی‌گری، اساس معنویات را ویران کرده است.
چهارم، تبلیغات بی‌دینی و انتشارات دستگاه‌های شهوت‌رانی و

بی‌بند و باری، کاخ با عظمت دین و اخلاقیات را در میان مردم، سرنگون ساخته‌اند.
پنجم، طغیان مطبوعات غیردینی در انتشار عکس‌های خلاف عفت و اصرار آن‌ها در پخش داستان‌های شهوت‌انگیز و رمان‌های مضر، پرده ناموس عمومی را دریده و رغبت مردم به مطبوعات دینی را از میان برده است.^۷
فعالیت‌های عمده مطبوعاتی حاج سراج را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد:

۱. اداره هفته‌نامه آیین اسلام.
۲. انتشار ماهنامه مسلمین، هیجده شماره.
۳. انتشار نشریه اتحاد مسلمین ایران، دوازده شماره.

تألیفات

حاج سراج برای رسیدن به آرمان‌های مورد نظر خویش، بیش از آن‌که بر کتاب تکیه کند، از نشریه سود می‌جوید، با این حال، به نگارش‌های او در قالب کتاب‌های مستقل، می‌توان بدین موارد، اشاره داشت:

۱. بیست و پنج روز توقیف.
۲. جلسات سراجیه.
۳. حدیث کساء، به ضمیمه چند فقره دعاء.
۴. خرد چیست، خردمند کیست؟، مجموعه مقالات چاپ شده در هفته‌نامه آیین اسلام.
۵. در پیرامون ماتریالیسم یا منشأ فساد، سه جلد، مجموعه مقالات روزنامه ندای حق و مسلمین، تهران: جعفری، چاپ اول، ۱۳۳۳ش، جلد اول.
۶. در موضوع توسل و معنای اولو الامر، ضمیمه نشریه وظیفه، چاپ اول ۱۳۳۹ش، ۸ص.
۷. دفاع از شیعی‌گری.
۸. دین چیست و برای چیست؟، مجموعه مقالات چاپ شده در هفته‌نامه آیین اسلام، به کوشش سیدهادی خسروشاهی (۱۳۱۷ش -)، قم: [بی‌نا]، ۱۳۸۵ق، ۱۷۰ص، جیبی.
۹. رشید در پای تخت رشید.
۱۰. سراج المجالس.

مطالب

کتاب با پیش‌آهنگ سخن آغاز شده و آن‌گاه به «تلاش‌های مطبوعاتی»^۹، «بنیان‌گذاری اتحادیه مسلمان»^{۱۰} و «دیدگاه‌ها و ارتباط‌ها»^{۱۱} می‌پردازد. بحث ارتباط‌ها بسیار کوتاه و ناقص و ناکافی است و در آن، تنها به ارتباط حاج سراج و آیت‌الله سیدهبه‌الله شهرستانی (۱۲۶۰ - ۱۳۴۵ ش) مطرح شده که پیش‌تر نیز در مواضع مختلف کتاب، به آن پرداخته شده است.

«رویاری با احمد کسروی»^{۱۲} و «تالیفات»^{۱۳} بخش‌های بعدی هستند. در بحث تالیفات، توصیف کتاب‌ها اندک و بسیار کوتاه‌اند. علاوه بر این، تنها هشت کتاب از حاج سراج مورد توصیف قرار گرفته، در حالی که در این مقال، چهارده اثر از او را نام بردیم.

پس از این، سرانجام «درگذشت»^{۱۴} بخش پایانی کتاب، رخ می‌نمایند، و از این پس، ضمیمه‌های کتاب درج شده‌اند^{۱۵}، شامل:

۱. «شرح حال خودنوشت حاج سراج انصاری»^{۱۶} که به درخواست ابوذر بیدار نوشته شده و برای نخستین بار، انتشار می‌یابد.
۲. «شرح حال حاج سراج انصاری»^{۱۷} به قلم سیدهدادی خسروشاهی.

۳. «خاطرات آقای کاظم سراج انصاری از پدرش»^{۱۸} که مخصوص چاپ در همین کتاب به نگارش درآمده است.

۴. «نامه سیدهبه‌الدین به حاج سراج انصاری»^{۱۹}.
از آن پس تعدادی از مقالات حاج سراج که پیش‌تر در این جا و آن جا چاپ شده، به چشم می‌خورد:

۵. «شرح حال سیدهبه‌الدین شهرستانی»^{۲۰}.
۶. «چکامه حاج سراج درباره کتاب اسلام و هیأت»^{۲۱} که حاوی توهین به عمر ختّام نیشابوری است.

۷. «گزارش وضعیت قم در سال ۱۳۳۳ ش»^{۲۲} که در برابر گزارش علی جواهرکلام نوشته شده، و اکنون، خلاصه آن به چاپ رسیده است.

۸. «گزارش گفت‌وگوی حاج سراج با حمزه غوث، سفیر سعودی»^{۲۳}

۹. «نامه حاج سراج به احمد کسروی»^{۲۴}

۱۰. «کسروی و ماجرای او»^{۲۵}

۱۱. «راه مبارزه با فساد چیست؟»^{۲۶}

۱۱. سخنرانی‌های مذهبی.

۱۲. سفرنامه آبادان.

۱۳. شیعه چه می‌گوید؟، مجموعه مقالات چاپ شده در هفته‌نامه آیین اسلام، در پاسخ به شیعی‌گیری اثر سیداحمد کسروی (۱۲۶۹ - ۱۳۲۴ ش)، چاپ سوم با تجدید نظر و اصلاحات از سیدهدادی خسروشاهی (۱۳۱۷ ش -)، تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۸۵ ق، ۴۶۲ ص.

۱۴. قهرمان بنام در تاریخ اسلام یا تاریخ جاهلیت یا ابطال الاعلام فی میدان تاریخ اسلام.

۱۵. مجموعه مقالات.

۱۶. نبرد بای دینی درباره کسروی و کسروی‌گری که مجموعه مقالات او در هفته‌نامه هراز است زیر عنوان «مدعی پیامبری»، به سعی و اهتمام سیدهدادی خسروشاهی (۱۳۱۷ ش)، تبریز: بنی‌هاشمی، ۱۳۴۵ ش، ۲۳۰ ص.

۱. یادداشت‌های تاریخی.

زاویه‌ی دید

حاج سراج، اسلام را زنده و پویا می‌خواهد و از همین رو، نگاه او، نگاهی روشن، تبیین‌گرایانه و استدلالی است و در دفاع از دین می‌کوشد تا از تمامی ظرفیت‌های علمی و افزارهای موجود سودبرد، کاری که در آن زمانه، از دست دانش‌آموختگان رسمی حوزه بر نمی‌آمد.^۸

نگاه نخست

حاج سراج را به عنوان پدیدار سازنده راه نوین مطبوعاتی سازمان روحانیت در زمان پهلوی اول و به ویژه مبارزه با سیداحمد کسروی می‌شناسیم. جشنواره مطبوعات اسلامی که برای نخستین بار در سال ۱۳۸۲ برگزار شد، به پاس فعالیت هیجده ساله سراج در این عرصه، جایزه سراج نام گرفت. کتاب حاضر نیز برای آشنایی با احوال و آثار او به عنوان نخستین شماره از مجموعه کتاب‌های جشنواره، انتشار یافت.

۱۲. «اسلام، ناله می‌کند، قرآن، ضجّه می‌کند». ۲۷. شمار فراوانی از تصاویر و اسناد و مدارک^{۲۸} مربوط به متن کتاب، پایان‌بخش این نوشتار است. بسیاری از اسناد، تصویر دست‌نوشته‌هایی است که به صورت حروفی، چاپ شده و یا عکس از روی جلد کتاب‌ها و نشریات و صفحات مجلات در قطع‌های بزرگ که می‌توانست نیاید و یا در قطع‌های کوچک‌تر درج شود، و به هرحال، اکنون با این اوصاف و با آن نامنظمی و عدم ترتیب و پراکندگی، فایده چندانی برای پژوهشگر تاریخ ندارد.

نگاه کلی

خواننده کتاب از تو در تو بودن مطالب کتاب و پراکندگی اطلاعات موجود در ذیل فصل‌ها و تیتراها و تکرار مطالب، البته لذتی چندانی نمی‌برد تا مجبور باشد تمامی کتاب را به صورت کامل به مطالعه گیرد، اما اگر چنین کند، چنین نظریاتی را ابراز خواهد داشت:

۱. آبخش‌خورهای فکری حاج سراج، سیر اندیشه‌ها و معرفی سرچشمه‌های تأثیرگذار بروی، ناگفته مانده است.

۲. از بررسی و تحلیل، خبری نیست، و نقد افکار و اندیشه‌ها به چشم نمی‌آید.

۳. با وجود صفحات سفید در پایان کتاب و عدم تکمیل فرم در صفحه‌بندی، ذکر منابع و مآخذ و فهرست مصادر مورد مراجعه برای تدوین کتاب، از قلم افتاده است.

۴. برای خواننده، این پرسش پیش می‌آید که اگر مقالات نگاشته شده، و یا فراهم آمده به دست حاج سراج، این قدر نیکو و پسندیده است، چرا امروز در پاسخ به شبهات دینی، مورد استفاده قرار نمی‌گیرد.

۵. برخی از مطالب همانند عدم جدایی دین از سیاست و لزوم تشکیل حکومت اسلامی، بیش از اندازه، برجسته شده‌اند.

۶. بی‌فایده نبود که از نثر و ادبیات و طرز نگارش حاج سراج نیز سخنی به میان می‌آمد، و شیوه او در نگارش، با سبک هم‌عصران وی در نشریات دیگر، مورد سنجش قرار می‌گرفت.

۷. پانوشته‌های توضیحی و حتی پاورقی‌های ارجاعی کتاب، حاصل تورق مؤلف در لحظات پایانی روانه شدن کتاب به چاپ‌خانه

است، و عموماً فاقد ارزش و فایده، و به دور از اصول و روش تحقیق. ۸. پژوهش‌های لازم درباره حاج سراج صورت نگرفته و به عنوان نمونه، خواننده در نمی‌یابد که او در چه سال‌هایی بیشتر با آیین اسلام هم‌کاری داشته و در چه سال‌هایی کم‌تر مقاله نوشته است. اوج فعالیت او در چه برهه‌ای است، طولانی‌ترین مقالات در مجله‌ای که به دست او اداره می‌شده، کدام است. تفاوت دوره اول آیین اسلام و دوره‌های بعدی در چیست و یا شمار زنان نویسنده در نشریه‌ی او چه تعداد است؟

۹. سه چهارم از صفحات کتاب را ضمائم و اسناد، تشکیل می‌دهند، و یک چهارم نخست نیز تنها شامل مطالبی است که از این طرف و آن طرف، گردآوری شده است.^{۲۹}

۱۰. نقاط قوت و خوبی‌ها در قالب ستایش نامه بیان شده است و از ذکر نقاط ضعف کارهای سراج انصاری، و خرده‌گیری‌های مخالفان نسبت به نگارش‌های او، خبری نیست.

۱۱. درباره حاج سراج، مصاحبه‌ای با هم‌عصران و همکاران او انجام نشده و آن‌چه از این و آن درباره او به صورت شفاهی نقل شده، پراکنده و اندک و یا دارای جنبه‌های خاطراتی و احساسی است، و نه روشن شدن نقاط تاریک تاریخی و آن‌چنان با «اما» و «اگر» و «شاید» همراه شده که از ارزش خویش کاسته است.

۱۲. در بیان مطالب، رویکرد احساسات، بیش از دیدگاه‌های پذیرفته شده استدلالی است.

۱۳. فراز و فرودهای نشریاتی که از آن‌ها سخن می‌رود به صورت کامل و جامع، مورد مطالعه قرار نگرفته و خواننده در نمی‌یابد که سرانجام، هفته‌نامه آیین اسلام در چه تاریخ‌هایی توقیف شده و در چه فواصلی انتشار یافته، و با چه مشکلاتی دست به‌گریبان بوده؛ یا کاهش و افزایش صفحات و مطالب و یا سیر بهای اشتراک آن و کیفیت چاپ، به چه صورتی بوده است.

۱۴. فهرست راهنما^{۳۰} بسیار مغلوط و کم‌فایده و غیرفنی است، و به ویژه چون پیش از تصاویر و اسناد و مدارک^{۳۱} ضمیمه کتاب آمده، و نه در پایان، استفاده و دسترسی به آن، آسان نیست.

۱۵. فهرست مطالب،^{۳۲} برآیند همه شتاب‌زدگی‌ها و پراز اشتباه و گمراه‌کننده است.

۱۶. مجموع مطالب، جستارهایی پراکنده در زندگی حاج سراج است، نه موشکافی در افکار و آثار او؛ چنانچه مطالبی که از آثار او بیرون کشیده شده نیز، بیشتر حاوی مطالب زندگی نامه‌ای و تکمیل پازل شخصیت خانوادگی اوست، نه مطالبی درباره شکل‌گیری شخصیت علمی، اجتماعی و مبارزاتی وی.
۱۷. نثر ناویراسته و اغلاط نسبتاً فراوان چاپی که از همان نخست به پیشباز می‌آیند و در صفحه عنوان کتاب نیز راه یافته، حکایت از شتاب‌زدگی مؤلف، در به انجام رساندن کتاب دارد.
۱۸. نویسنده، همچون دیگر کتاب‌های اخیر خود، از داوری‌های بی‌طرفانه و قضاوت علمی به دور افتاده^{۳۳} و در جای جای کتاب، از ارزش‌گذاری این و آن و موضع‌گیری قلمی و تند، در قبال افکار مخالف، غفلت نکرده است.^{۳۴}
۱۹. عمده مطالب، گردآمده از نشریه آیین اسلام است، یا به صورت نقل قول مستقیم و یا غیرمستقیم و ارجاع به آن که البته بدون ایراد است؛ ولی آیا بهتر نبود که اگر مطلب تازه‌ای در دست نیست و تحلیلی درخور، ارائه نخواهد شد، همان نشریه را به صورت اُفتست، به همراه مقدمه‌ای کوتاه و به ضمیمه اسناد و مدارک، منتشر ساخته و یا بخش نخست کتاب حاضر، چکیده مطالب آن مجله را به صورت فهرست وار و با نمایه‌هایی کارآمد، ارائه می‌داد؟
- پانویس‌ها:**
۱. در فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار)، به اشتباه، سال ۱۳۷۴ به عنوان تاریخ تولد وی آمده است.
۲. جعفریان، رسول، حاج مهدی سراج انصاری ستاره‌ای درخشان در عرصه مطبوعات اسلامی، ص ۸۴ - ۸۶.
۳. همان، ص ۴۶.
۴. همان، ص ۸۸.
۵. همان، ص ۴۴ - ۴۵.
۶. در صفحه عنوان کتاب حاضر، به اشتباه، سال «۱۳۲۳ش» به عنوان سال آغاز فعالیت مطبوعاتی حاج سراج ذکر شده است.
۷. همان، ص ۲۲.
۸. همان، ص ۱۷.
۹. همان، ص ۲۱ - ۴۲.
۱۰. همان، ص ۴۳ - ۷۸.
۱۱. همان، ص ۷۹ - ۹۵.
۱۲. همان، ص ۹۷ - ۱۱۲.
۱۳. همان، ص ۱۱۳ - ۱۲۳.
۱۴. همان، ص ۱۲۵ - ۱۲۶.
۱۵. همان، ص ۱۲۷ - ۲۷۸.
۱۶. همان، ص ۱۲۹ - ۱۳۴.
۱۷. همان، ص ۱۳۵ - ۱۳۸.
۱۸. همان، ص ۱۳۹ - ۱۴۸.
۱۹. همان، ص ۱۶۴ - ۱۶۶.
۲۰. همان، ص ۱۴۹ - ۱۶۳.
۲۱. همان، ص ۱۶۷ - ۱۶۸.
۲۲. همان، ص ۱۶۹ - ۲۴۳.
۲۳. همان، ص ۲۴۵ - ۲۴۹.
۲۴. همان، ص ۲۵۱ - ۲۵۷.
۲۵. همان، ص ۲۵۹ - ۲۶۹.
۲۶. همان، ص ۲۷۱ - ۲۷۴.
۲۷. همان، ص ۲۷۵ - ۲۷۸.
۲۸. همان، ص ۲۸۵ - ۴۱۳.
۲۹. در فیبا (فهرست نویسی پیش از انتشار) نیز کار او به عنوان گردآوری، معرفی می‌شود.
۳۰. همان، جعفریان، رسول، صص ۲۷۹ - ۲۸۴.
۳۱. همان، ص ۲۸۵ - ۴۱۳.
۳۲. همان، ص ۵ - ۶.
۳۳. بنگرید به: زادهوش، محمدرضا، «جریان‌ها و جنبش‌های مذهبی - سیاسی ایران، سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ششم، شماره مهر ۱۳۸۲ش، ص ۷۹ - ۸۱.
۳۴. هم‌چنین بنگرید به: زادهوش، محمدرضا، «جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، سال‌های ۱۳۲۰ - ۱۳۵۷»، دو ماهنامه آئینه پژوهش، سال پانزدهم، شماره ۸۶، خرداد و تیر ۱۳۸۳، ص ۸۶ - ۸۸.